

شامگاه‌شنبه‌و در آمریکا؛

بهرام بیضایی درگذشت

بهرام بیضایی کارگردان و نویسنده سینمای ایران شامگاه‌شنبه درگذشت.بهرام بیضایی سینماگر مطرح ایرانی‌شنبه‌شب در سن ۸۷ سالگی درروز تولدش دارفانی را وداع گفت.به گزارش گره‌پزانشناسی دانشگاه استنفورد،بیضایی سینماگر، نمایشنامه‌نویس،فیلمنامه نویس و فیلمساز مطرح ایرانی بود.بهرام بیضایی آثاری چون «باشو غریبه کوچک»،«هرگ یزدگرد»،«چریکه تار»،«کلاغ»،«سفر»،«مسافران»،«شاید وقتی دیگر»،«سگ‌کشی» را کارگردانی کرده بود.این سینماگر نمایش‌نامه‌های متعددی از جمله نمایش‌نامه‌هایی همچون «پهلوان اکبر می‌میرد»، «هرگ یزدگرد»،«فتح‌نامه کلات»،«هشتمین سفر سندیباد»،«دبّه»،«سهراب‌کشی»،«سلطان مار» را در نامه‌داشت.نگه‌ویژه بهرام بیضایی به‌تاریخ‌وفرهنگ ایران وزبان پاکیزه‌ای که به کار می‌برد از ویژگی‌های اصلی کار او بود.

□□□□

تاثیر قطعی نمرات نهایی یازدهمی‌ها در کنکور ۱۴۰۵

مدیر کل دفتر آموزش دوره دوم متوسطه نظری آموزش و پرورش از تاثیر قطعی نمرات امتحانات نهایی پایه یازدهم در کنکور سراسری سال ۱۴۰۵ خبر داد و گفت این تصمیم در افزایش سهم سوابق تحصیلی و کاهش اتکای صرفه آزمون تستی می شود.عباس بیات با اشاره به سیاست‌های جدید سنجش و پذیرش دانشجو اعلام کرد امسال امتحانات نهایی پایه یازدهم به صورت قطعی در نمره نهایی داوطلبان از نظر می شود.به گفته او، این موضوع مورد توجه جدی‌تر دانش آموزان به امتحانات مدرسه را دوچندان می کند.

□□□□

خطر جدی برای کارآیی پژوهش‌های علمی؛

نسبت پایین تبدیل مقالات علمی به ثبت اختراع در ایران

رئیس فرهنگستان علوم با اشاره به کارنامه تولید علم و فناوری کشور، گفت: نسبت تبدیل مقالات علمی به ثبت اختراع در ایران بسیار پایین است و این موضوع مهم است که خطر جدی برای کارایی پژوهش‌های علمی تلقی می‌شود.به گزارش ایسنا، محمدرضا مخبر دزفولی بابیان اینکه: هر ۴۰۰ تا ۴۵۰ مقاله علمی ایران در سطح جهانی تنها یک مقاله به ثبت اختراع نتیجه می‌شود، این آمار را در مقایسه با سایر کشورهای نامناسب خواند. او اشاره کرد در دو مانند ژاپن به ازای هر دو مقاله یک اختراع ثبت می‌شود و حتی برخی از کشورهایی مانند ژاپن نیز در هر حدود یک مقاله یک اختراع دارند. این در حالی است که ایران هدف خود را به حدود زیر صد قرار داده است. فرهنگستان علوم هشدار نسبت به «پزشی نخبگان» در اکوسیستم علمی کشور، برسی کرد. رشد کمی اگر مقالاتی با فناوری و محصول همراه نباشند، بخش مهمی از سرمایه انسانی و دانشی کشور، به رئیس جمهور و توان رقابت پذیری ایران در عرصه جهانی تضعیف خواهد شد

□□□□

وزیر بخشنامه کرد؛

تنبیه بدنی در مدارس رسماً ممنوع شد

آموزش و پرورش بخش نامهای با عنوان «ممنوعیت تنبیه بدنی دانش آموزان و سوء رفتار با آنان: به هر دلیل و تحت هر شرایطی» را به ادارات کل، مناطق و وزیران مدارس سراسر کشور کرد تا ریز برخورد با دانش آموزان در قوانین ممنوعیت و با متخلفان طبق مقررات اعمال شود. به گزارش ایسنا، در متن این بخشنامه که کدی ۱۴۰۴ به امضای وزیر آموزش و پرورش رسیده، تنبیه بدنی دانش آموزان تحت هر عنوان و در هر شرایطی ممنوع است و مدیران مدارس موظف‌اند، کارکنان آموزشی را نسبت به این ممنوعیت آگاه کنند و در مشاهده اعمال، پرونده را به هیأت‌های اداری به عنوان قانونی به مقامات اداری و در صورت لزوم، به مراجع قضایی ارسال کنند. در بخشنامه همچنین به ماده ۱۸۱ آیین نامه اجرایی مدارس اشار شده است که پیش تر نیز تنبیه بدنی را ممنوع اعلام کرده است و برای ایجاد محیطی امن، محترمانه و عاری از خشونت دانش آموزان است.

□□□□

درج شان اهدای عضو وی گواهینامه

رئیس مرکز صدور گواهینامه پلیس راهنمایی و رانندگی فرجا اعلام کرد علاوه بر ممنان می توانند برای ثبت گواهینامه خود را علامت قلب قرمز استفاده کنند که نشانه اهدای عضو است. به گزارش ایسنا، سرهنگ علی کاظمی توضیح داد که این امکان برای همه پایه‌های گواهینامه از جمله پایه سه، دو و یک ارائه شده است. کاظمی گفت: این کار در راستای فرهنگ سازی اهدای عضو می تواند نقش مهمی در افزایش آگاهی عمومی و توسعه فرهنگ در جامعه داشته باشد.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۵۷۰۳۵۱۹۷-۳۰۱۰۵۷۰۴۶۰۳۰۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سلیم سلیمی یوزبخشایش فرزند غلامحسین بشماره شناسنامه ۱ با کد ملی ۱۷۹۹۵۷۷۱ بصورت سه دانگ مشاع از شش دانگ یک باب ساختمان به مساحت ۲۸/۰۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۱۴۵ فرعی ۵۳۲ اصلی واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی آقای حبیب اله حبیبی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید بخترف مدت یک ماه از تاریخ صورت اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م.الف:۱۳۳۶۳
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ - تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۱۰/۰۷
رئیس ثبت اسناد و املاک شهریار

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۳۷۷۹۷-۳۰۱۰۵۷۰۳۰۱۰۵۷۰۴۶۰۳۰۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهریار تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خاتم علی مرادی فرزند احمد با کد ملی ۴۸۴۶۰۲۰۴۹۰۰ بصورت شش دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۳/۹۴۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۸ فرعی ۱۴۰۴ اصلی واقع در شهرستان شهریار خریداری از مالک رسمی آقای محمد مهدی رضایی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، بخترف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م.الف:۱۳۳۶۹
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۰۹/۲۲ - تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۴/۱۰/۰۷
رئیس ثبت اسناد و املاک شهریار

مجسمه شاپور اولِ میدان انقلاب، در برابر این همه هیاهو و هزینه بی حاصل سر تعظیم فرود آورد

نمایش «عظمت ملت ایران» در پارکینگ موتوروی شهرداری!



مواجهه پر تنش با ایران باستان
از نخستین سال‌های پس از انقلاب ۵۷، برخورد جمهوری اسلامی با نمادهای ایران پیشا‌اسلامی، برخوردی دوگانه و اغلب سلبی بوده است. بسیاری از مجسمه‌ها تخریب یا جمع‌آوری شدند، خیابان‌ها تغییر کرد و در نظام آموزشی، تاریخ باستانی به حاشیه رانده شد. این سیاست، بخشی از پروژه‌ای بود که می‌کوشید هویت ایرانی را در چارچوب ایدئولوژی شیعی بازتعریف‌شده بازسازی کند.

با این حال، این پروژه هرگز به‌طور کامل موفق نگشت. حافظه تاریخی جامعه، مقاومت‌تر از آن بود که به‌سادگی پاک شود. به همین دلیل، حاکمیت ناچار شد در مقاطع مختلف، نوعی مصالحه موقت با ایران باستان برقرار کند؛ مصالحه‌ای که همیشه شکننده و مشروط بوده است.

در دوره علیرضا زاکانی، شهرداری تهران بیش از پیش به باوری فرهنگی – ایدئولوژیک بدل و پروژه‌های نمادین مذهبی، حذف نمادهای همسو با گفتمان رسمی و حذف یا کمرنگ کردن نشانه‌های هویت ملی غیر مذهبی، در این دوره پر رنگ‌تر شده است. ماجرای مجسمه شاپور اول، در این چارچوب، نه نشانه تغییر، که استثنایی کوتاه‌مدت بود که خیلی زود اصلاح شد.

این سیاست‌ها در شرایطی اعمال می‌شود که سایه جنگ و ناامنی همچنان بر سر کشور سنگینی می‌کند. در چنین وضعیتی، حذف نمادهای تاریخی نه تنها کمکی به انسجام اجتماعی نمی‌کند، بلکه شکاف‌های موجود را تعمیق می‌کند.

موقوف شده است؛ چرا که اگر سازه مشکل داشته باشد، دیگر بحث آتش نشانی در اولویت نیست. عبدولی با تأکید بر نبود ایمنی لازم در این مجموعه اظهار کرد: در مجموع هیچ گونه تمهیداتی ایمنی مرتبط با آتش نشانی در این مجموعه دیده نشده است. بر اساس گفته‌های خودشان، حدود هزار باب مغازه در این محل وجود دارد که هر کدام به‌طور متوسط سه نفر کارمند کارگر دارند که در مجموع حدود ۳۰۰۰ نفر می‌شود. همچنین روزانه بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر مراجعه‌کننده به این سراها رفت و آمد دارند. با در نظر گرفتن این حجم از جمعیت، اگر خدایی نکرده اتفاقی رخ دهد، مطمئناً یک فاجعه رعب‌ور و خوارم‌شد.

تهدید جان هزاران نفر

در ادامه یازدهمایی از این تخلف بسیار بحران ساز، علی نصیری، رئیس سازمان مدیریت بحران شهر تهران گفت: یکی از نقاطی که بر اساس آیین‌نامه ۲۸۰۰ از اهمیت زیاد و بسیار زیاد برخوردار است، بازار تهران است؛ هم به دلیل جایگاه اقتصادی آن و هم به دلیل تردد جمعیت انبوه. متأسفانه بازار تهران به لحاظ ایمنی و امنیت، پیچیدگی‌های زیادی دارد.

نصیری ادامه داد: یکی از مصادیقی که با حضور شهرداری منطقه و معاون دادستان تهران به آن ورود کردیم، پدیده «جرز خوری» و «پی خوری» است. افراد سودجویی وارد این فضا شده‌اند که جالب است بدانید حتی مالکین و کسبه نیز با آن‌ها مشکل دارند و ممکن است مالک اصلی ملک نیز از این اقدامات بی‌اطلاع بوده باشد. این موضوع منحصر به این محل نیست و در نقاط دیگر هم گزارش‌هایی وجود دارد، اما در سرای آزادی به اوج خود رسیده است.

رئیس سازمان مدیریت بحران شهر تهران تصریح کرد: در این مجموعه، در طبقه زیرین که جزو ساز ساختمان بوده، اقدام به حفاری غیر مجاز شده و یک طبقه جدید ایجاد کرده‌اند که نه امکان فنی آن وجود داشته و نه مقاومت لازم را دارد. حفاری‌ها، ایجاد تونل و ساخت مغازه و انبار‌های جدید بدون توجه به اصول ایمنی ادامه داشته است؛ به گونه‌ای که آثار آن در سقف‌هایی که دچار خمش شده‌اند و ستون‌هایی که موج بر داشته به‌شدت تضعیف شده‌اند، کاملاً مشهود است. این اقدامات در حالی انجام شده که روزانه حدود ۵۰۰۰ نفر در این محل تردد دارند. وی با تأکید بر وضعیت بحرانی این سرا گفت: این سقف‌در آستانه فروریزش قرار دارد و توضیحات فنی آن توسط اساتید ارائه خواهد شد. شهرداری این نایب‌ی را شناسایی و به دادستانی گزارش کرده و مانیز در سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، اولویت کاری خود را در این دوره بر موضوع ایمنی و پیگیری ایمنی سازه‌های شهری قرار داده‌ایم.

نصیری افزود: در کنار سازمان آتش نشانی که موضوع ایمنی حریق را دنبال می‌کند، تلاش کرده‌ایم به‌سخت ایمنی جامع و یکپارچه با اولویت ساختمان‌های مهم و بلندمرتبه حرکت کنیم؛ اولویتی که در قانون نیز تعیین شده است. امیدواریم تا پایان این دوره مدیریت شهری و حتی تا پایان امسال، ارزیابی ایمنی حدود ۱۶ هزار ساختمان مهم و بلندمرتبه به پایان برسد.

پس از انتقال شاپور اول به

پارکینگ موتوروی شهرداری منطقه ۹، زمزمه‌هایی درباره نصب مجسمه‌ای از ابراهیم رئیسی در همان محل مطرح شد. اگرچه این موضوع هنوز به‌طور رسمی تأیید نشده، اما سابقه مدیریت شهری در بزرگداشت چهره‌های سیاسی همسو، این گمانه را تقویت می‌کند

این الگو، در مدیریت شهری دوره زاکانی بی‌سابقه نیست. تصمیم‌های پرسر و صدا، بدون پشتوانه کارشناسی و حقوقی، که تازمانی که کارکرد تبلیغاتی و روشن از غلبه منطق نمایش بر قانون و فرآیندهای رسمی در مدیریت شهری بود. مراسم رومانیایی از مجسمه، با نورپردازی، موسیقی زنده و روایت‌های پرطمطراق درباره «عظمت ملت ایران» برگزار شد، اما همان زمان هم مشخص بود که پروژه، مسیرهای حقوقی و کارشناسی لازم را طی نکرده است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، مجوز شورای تخصصی مجسمه‌سازی و تأیید نهایی مراجع ذی‌ربط، با اخذ نشده بود. یادست کم به‌طور کامل طی نشده بود. به بیان سادهدتر، مجسمه‌ای که قرار بود نماد اقتدار تاریخی ایران باشد، از همان ابتدای زنده‌زمین سستی ایستاده بود.

همین خلأ قانونی، بعدتر به بهانه‌ای برای جمع‌آوری سریع مجسمه تبدیل شد. ابتدا صحبت از «جابه‌جایی موقت» و انتقال به مکانی دیگر مطرح شد؛ حتی نام فرودگاه مهر آهم به میان آمد. اما سرانجام، شاپور اول نه به فضای عمومی تازه‌ای رفت و نه به موزه، بلکه به پارکینگ موتورهای توقیفی شهرداری در منطقه ۹ منتقل شد. این جابه‌جایی، بیش از هر توضیح رسمی، نشان داد که پروژه از آغاز، نه بر اساس یک سیاست فرهنگی پایدار، بلکه بر مدار نمایش رسانه‌ای و مصرف کوتاه‌مدت طراحی شده بود.

سیاست آشنای حذف

چند هفته پس از نصب، مجسمه شاپور اول بدون اطلاع‌رسانی رسمی جمع‌آوری شد. نه نشست خبری بر گزار شد، نه توضیحی در رسانه‌های شهرداری منتشر شد. سکوت، این بار هم به ابزار مدیریت بحران بدل شد. بعدها مشخص شد که مجسمه به پارکینگ موتورهای توقیفی در خیابان آزادی منتقل شده

با جمع‌آوری شتاب‌زده مجسمه، عملاً فروریخت.

نمایش «عظمت ملت ایران» در پارکینگ موتوروی

نحوه نصب و جمع‌آوری مجسمه شاپور اول، فقط یک تصمیم سلیقه‌ای یا عقب‌نشینی فرهنگی نبود؛ نشانه‌ای روشن از غلبه منطق نمایش بر قانون و فرآیندهای رسمی در مدیریت شهری بود. مراسم رومانیایی از مجسمه، با نورپردازی، موسیقی زنده و روایت‌های پرطمطراق درباره «عظمت ملت ایران» برگزار شد، اما همان زمان هم مشخص بود که پروژه، مسیرهای حقوقی و کارشناسی لازم را طی نکرده است. بر اساس گزارش‌های منتشرشده، مجوز شورای تخصصی مجسمه‌سازی و تأیید نهایی مراجع ذی‌ربط، با اخذ نشده بود. یادست کم به‌طور کامل طی نشده بود. به بیان سادهدتر، مجسمه‌ای که قرار بود نماد اقتدار تاریخی ایران باشد، از همان ابتدای زنده‌زمین سستی ایستاده بود.

همین خلأ قانونی، بعدتر به بهانه‌ای برای جمع‌آوری سریع مجسمه تبدیل شد. ابتدا صحبت از «جابه‌جایی موقت» و انتقال به مکانی دیگر مطرح شد؛ حتی نام فرودگاه مهر آهم به میان آمد. اما سرانجام، شاپور اول نه به فضای عمومی تازه‌ای رفت و نه به موزه، بلکه به پارکینگ موتورهای توقیفی شهرداری در منطقه ۹ منتقل شد. این جابه‌جایی، بیش از هر توضیح رسمی، نشان داد که پروژه از آغاز، نه بر اساس یک سیاست فرهنگی پایدار، بلکه بر مدار نمایش رسانه‌ای و مصرف کوتاه‌مدت طراحی شده بود.

پایدار باشد، شباهت زیادی به یک شوی تبلیغاتی داشت.

مدیریت شهری در همان شب اعلام کرد هدف از نصب این اثر آن است که «دیپلمات‌ها و مقامات خارجی با نخستین قدم در ایران، با تاریخ و عظمت ملت ایران آشنا شوند». حرف‌هایی که از زبان مسئولان در بیش از چهار دهه گذشته بعید به نظر می‌رسید. مخصوصاً مدیریت شهری فعلی تهران با محوریت علیرضا زاکانی که نه تنها به چنین گفتگمانی علاقه‌ای نداشته بلکه همواره در جهت مخالف آن حرکت کرده است.

مجسمه، بر اساس اطلاعات منتشر شده، توسط یکی از مجسمه‌سازان شناخته‌شده کشور و با نظارت سازمان زیباسازی شهرداری تهران ساخته شد. ارتفاع آن حدود ۴ متر، جنس آن ترکیبی از برنز و آلیاژهای مقاوم در برابر شرایط جوی و پیاش از سنگ گرانبه بود. طراحی، تلاش داشت شاپور را نه به‌شکل یک شاه اسطور‌های، بلکه به‌عنوان فرمانروایی مقتدر و زمینی نمایش دهد؛ شمیر در دست، نگاه‌و به جلو و بدنی که یادآور نقش برجسته‌های ساسانی در نقش رستم بود. همین جزئیات، از ابتدا حساسیت برخی جریان‌های ایدئولوژیک را برانگیخت.

بر اساس گزارش‌های غیر رسمی که از سوی برخی اعضای شورای شهر و رسانه‌های تخصصی هنر شهری مطرح شد، هزینه طراحی، ساخت، حمل و نصب این مجسمه رقیب بین ۱۵ تا ۲۰ میلیارد تومان بوده است. این عدد، در شهری که با بحران فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل عمومی، کمبود سرانه فضای سبز و ناتوانی در تأمین خدمات اولیه در مناطق جنوبی مواجه است، خودبه‌خود بحث‌برانگیز بود. اما مسئله این بود که این هزینه، برای نمادی صرف شد که از ابتدا ضمانتی برای ماندگاری‌اش وجود نداشت.

منتقدان می‌گفتند اگر شهرداری واقعا به بازخوانی هویت ایرانی باور دارد، چرا این هزینه صرف مرمت آثار تاریخی، حمایت از موزه‌ها یا حتی آموزش عمومی تاریخ ایران نمی‌شود. در مقابل، مدافعان پروژه آن را بخشی از «دیپلماسی فرهنگ شهری» می‌دانستند. این دفاعیه، اما از خطر فریزرها دور نیست.

پس از گذشت بیش از یک ماه از رونمایی، هنوز هیچ‌کس نتوانسته به‌طور قطعی بگوید که آیا این مجسمه، همان‌طور که مدعیان آن می‌گویند، به‌عنوان یک نماد فرهنگی پایدار خواهد ماند، یا تنها یک اثر موقت و نمایشی است.

اما سرانجام، شاپور اول نه به فضای عمومی تازه‌ای رفت و نه به موزه، بلکه به پارکینگ موتورهای توقیفی شهرداری در منطقه ۹ منتقل شد. این جابه‌جایی، بیش از هر توضیح رسمی، نشان داد که پروژه از آغاز، نه بر اساس یک سیاست فرهنگی پایدار، بلکه بر مدار نمایش رسانه‌ای و مصرف کوتاه‌مدت طراحی شده بود.

کمتر از چند هفته پس از نصب، مجسمه شاپور اول بدون اطلاع‌رسانی رسمی جمع‌آوری شد. نه نشست خبری بر گزار شد، نه توضیحی در رسانه‌های شهرداری منتشر شد. سکوت، این بار هم به ابزار مدیریت بحران بدل شد



سعیده علیپور

جنگ ۱۲ روزه، مثل هر بحران دیگری، مسئولان کشور را برای مدتی کوتاه به زبانی تازه رساند؛ زبانی که نمایش را گذاشتند «ایران دوستی». از سرباز هخامنشی گفتند، از ایران کهن تصویر ساختند و حتی نمادهایی را از انبار تاریخ بیرون کشیدند که سال‌ها با خطه یا عمداً به حاشیه رانده شده بود. این تغییر لحن، اما نه از سر بازنگری فکری، که بیشتر شبیه واکنشی اضطراری به وضعیت جنگی بود. مجسمه شاپور اول در میدان انقلاب، شاید فشرده‌ترین روایت از این ایران دوستی موقت باشد؛ نمادی پرهزینه و پرهیاهو که کمتر از چند هفته، بی‌سروصدا جمع شد و سر از پارکینگ موتورهای توقیفی خیابان آزادی درآورد!

پس از پایان جنگ ۱۲ روزه در فضایی که جامعه ایران زیر فشار ناامنی، بحران اقتصادی و فرسایش اعتماد عمومی قرار داشت، نیاز به همبستگی اجتماعی به یکی از کلیواژه‌های رسمی بدل شد. بخشی از حاکمیت، به‌ویژه در سطح مدیریت شهری و رسانه‌های وابسته، تلاش کرد از گفتمان ملی‌گرایانه برای پر کردن شکاف‌های اجتماعی استفاده کند. اشاره به تاریخ پیشا‌اسلامی، که در سال‌های گذشته عموماً با حذف شده یا با برچسب انحرافی طرد شده بود، دوباره به ادبیات رسمی راه یافت. تصاویر سربازان هخامنشی، واژه «پران» با بار تاریخی‌اش و حتی یادآوری شاهان ساسانی، ناگهان از خطر فریزرها عبور کرد.

انتخابی حساب‌شده یا لغزشی کنترل‌نشده؟

شاپور اول، دومین شاه ساسانی، در تاریخ ایران جایگاهی ویژه دارد؛ پادشاهی که هم‌زمان نماد قدرت سیاسی، انسجام سرزمینی و تقابل موفق با امپراتوری روم به‌شمار می‌رود. انتخاب او برای نصب مجسمه در میدان انقلاب، انتخابی تصادفی نبود. شاپور نه کوروش است که بار معنایی گسترده‌تری در حافظه جمعی دارد و نه چهره‌ای حاشیه‌ای. او نمادی از ایران مقتدر پیشا‌اسلامی است، بی‌آنکه مستقیماً به روایت‌های معاصر اپوزیسیونی گره خورده باشد. همین ویژگی، احتمالاً شاپور را به گزینش «کم‌خطرتر» در نگاه تصمیم‌گیران شهری تبدیل کرد.

روز ۱۷ آبان، شهرداری تهران در مراسمی پرهزینه، بی‌سابقه و پرزرق‌وبرق شامل نورافشانی، اجرای ارکستر سمفونیک، حضور خوانندگان شناخته‌شده و اجرای نمایشی، از این مجسمه رونمایی کرد. مراسمی که بیش از آنکه ی‌ساده‌وار یک پروژه فرهنگی